

Investigating the Evolution of Living Room Furniture under the Effects of Cultural Influences in Iran

Farhad AleAli¹

¹ Instructor, Department of Industrial Design, Faculty of Art, Semnan University, Semnan, Iran

(Received: 07.07.2021, Revised: 08.03.2022, Accepted: 07.03.2022)
<https://doi.org/10.22075/AAJ.2021.11971.1067>

Abstract:

The purpose of this research is to investigate the characteristics and cultural traditions of the Iranian people regarding the method of rest at home and the requirements used in this regard and the evolution in furniture form and how these changes are influenced by the Iranian people's culture. What has been studied about furniture in Iran has been based on the furniture that has been imported from the western culture to Iran and so far has not been addressed to the furniture formed on the basis of the culture of this border and the canvas, therefore In this research, using descriptive research method and historical information regarding the type and manner of using the living room furniture and looking at the aesthetic features used in the necessities and furniture of the houses of the people from the Achaemenids to the Qajar era, due to the wide association of Iranians with the West it led to the entry of western furniture, derived the criteria that resulted in the required results for design criteria, as using these criteria, a living room with an apparent appearance of Iranianship and other necessary criteria can be designed.. In this method, using the images of pre-Islamic architectural designs and seals, as well as the designs of pottery and post-Islamic paintings, the form and furniture changes used by the people of that time were studied and the analysis of the relationship between the form of furniture and Sitting behavior of users has led to findings that can be used to design furniture with Iranian cultural features.

Keywords: Industrial Design, Iranian Furniture, Iranian Culture, Sitting Behavior

¹ Email: farhadale@semnan.ac.ir

How to cite: Ale Ali, F. Investigating the Evolution of Living Room Furniture under the effects of Cultural Influences in Iran. Journal of Applied Arts, 2022;(doi: 10.22075/aaj.2021.11971.1067)

بررسی سیر تطور مبلمان نشیمن و تأثیرات فرهنگی بر روی آن در ایران

فرهاد آل علی^۱

^۱ مربی، گروه طراحی صنعتی، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۱۶، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶)

<https://doi.org/10.22075/AAJ.2021.11971.1067>

مقاله علمی-پژوهشی

چکیده

هدف از این پژوهش، تحقیق و بررسی شاخصه‌ها و سنت‌های فرهنگی مردم ایران در ارتباط با روش استراحت در منزل و ملزومات مورد استفاده در این رابطه و سیر تطور در فرم مبلمان و چگونگی تأثیر پذیری این تغییرات از فرهنگ مردم ایران است. مهمترین معضلی که امروزه در طراحی و تولید مبلمان توسط تولیدکنندگان داخلی با آن مواجه هستیم عدم شناخت ریشه‌های فرمی و کارکردی مبلمان در ایران است که منجر به تقلید ناشیانه از دستاوردهای غربی شده و هیچ‌گونه هویت فرمی و یا کارکردی بر اساس فرهنگ ایرانی در نظر گرفته نمی‌شود. با در نظر گرفتن این فرضیه که با پژوهش و شناخت سیر تحول و تولید مبلمان در ایران و فرهنگ استفاده از آن در پیشینیان‌مان می‌توان به معیارها و نشانه‌های فرمی و عملکردی کاملاً ایرانی دست یافت، گامی نخستین در راستای ارائه راهکارهای تولید مبلمانی مطابق با فرهنگ ایرانی برداشته خواهد شد. این پژوهش با استفاده از روش تحقیق توصیفی و اطلاعات تاریخی مربوط به نوع و نحوه استفاده از مبلمان نشیمن و نگاه به شاخصه‌های زیبایی شناسی مورد استفاده در ملزومات و اثاثیه‌های منازل مردم از زمان هخامنشیان تا دروران قاجاریه که بدلیل ارتباطات وسیع ایرانیان با غرب منجر به ورود مبلمان غربی گردید، به استخراج معیارهایی پرداخته شد که منتج به نتایج مورد نیاز برای معیارهای طراحی گردید که با استفاده از این معیارها می‌توان مبلمان نشیمن با مشخصه ظاهری ایرانی بودن و دیگر معیارهای لازم طراحی گردد. در این روش با استفاده از تصاویر نقوش برجسته معماری و مهرها در پیش از اسلام و نیز نقوش سفالینه‌ها و نقاشی‌های پس از اسلام به بررسی فرم و تغییرات مبلمان مورد استفاده مردمان آن زمان پرداخته شد و تحلیل ارتباطات بین فرم مبلمان و رفتار نشستن استفاده‌گران منتج به یافته‌هایی گردید که می‌توان از آنها در راستای طراحی مبلمان با خصیصه‌های فرهنگی ایرانی استفاده نمود.

واژه‌های کلیدی: طراحی صنعتی، مبلمان ایرانی، فرهنگ ایرانی، رفتار نشستن

¹ Email: farhadale@semnan.ac.ir

مقدمه

مبلمان به شکل امروزی در فرهنگ ما پدیده ای جوان و به عبارتی نو ظهور است و اگر به گواهی تاریخ در ایران باستان ناشناخته نبوده، ولی وقفه‌ای نزدیک به ۱۳ قرن که در پی تغییر و تحول فرهنگ و نگرش و نحوه زندگی پس از آمدن دین مبین اسلام به وجود آمده، استفاده از آنرا نزد مردمان عادی و نه در جامعه اشراف و اعیان این سرزمین بیرنگ نمود. با این وصف نادرست نیست اگر بگوییم از حدود ۲ قرن پیش به این طرف انواع عناصر به مثابه وسایلی نوظهور رفته رفته به زندگی خانگی ما وارد شده‌اند و امروزه چنان با زندگی شهری عجین شده‌اند که در گونه‌ها و گروه‌های مختلف، تولید و عرضه میشوند.

"با گذشت زمان و تغییرات تدریجی شیوه زندگی شهری، هر یک از این وسایل به نوبه‌ای ضرورت وجودی خود را کم و بیش یافته و جنبه کاربردی آنها در زندگی قوت گرفت. به طوریکه امروزه بسیاری از آن وسایل به جزء لاینفک و جدایی ناپذیر از زندگی شهری تبدیل شده‌اند. مبلمان از جمله این تجهیزات جدید زندگی بوده که ابتدا با توجه به ساختار اجتماعی آن عهد، توجه اشراف و صاحبان ثروت و اقشار تجددگرا را به خود معطوف ساخت ولی رفته رفته با تغییر شرایط، در کنار دیگر وسایل جدید زندگی جای خود را در جریان حیات خانواده‌ها و اجتماع یافته و بر عرصه‌های زندگی شهری تأثیر گذارد" (مستوفی، ۱۳۴۰: ۵۲).

آنچه که مبرهن است کارکرد استیtkی تولیدات صنعتی به ویژه مبلمان، اولین عامل ایجاد انگیزه در استفاده‌گر برای آغاز پروسه استفاده است. لحظه‌ای که فرد برای اولین بار به یک مبل نگاه میکند در وهله

اول زیبایی آنرا مورد قضاوت قرار می دهد. موفقیت طرح در ایجاد ارتباط روحی با استفاده‌گر آن در این مرحله، قضاوت آنرا از جنبه کارکرد عملی در مرحله بعد به دنبال خواهد داشت.

تغییرات فرهنگی ناشی از زندگی صنعتی نسبت به زندگی سنتی، می تواند تأثیر به‌سزایی در نوع نگرش جامعه به هنر مدرن و چه بسا نوعی آموزش غیر مستقیم بصری در ذهنیت استفاده‌گر داشته باشد، کما اینکه ایجاد تحریک و احساس قریب نسبت به آنچه که سالیان دراز استفاده‌گر به آن خو گرفته می‌تواند علاوه بر ایجاد تنوع شکلی، عامل انگیزه‌ای برای تحول و رشد سواد بصری استفاده‌گر باشد. مقوله مبلمان خانگی که قدمت نه چندان زیادی در کشور ما دارد آنچنان که باید سیر تحول تاریخی و ابداعات و نوآوریها را در طراحی مبلمان تجربه ننموده است، به همین جهت با در نظر گرفتن مطالب مذکور، احیای شاخصه‌های سنتی در این امر گامی است مهم در جهت ارتقاء کارکرد استیtkی مبلمان در فرهنگ ملی و بومی ایران زمین. به همین دلیل، محقق در این پژوهش به تحقیق و بررسی سیستماتیک در مورد استفاده از شاخصه‌های فرهنگی و سنتی مردم ایران در طراحی مبلمان خانگی پرداخته است.

سوالاتی که در این پژوهش به یافتن مسیر بهتر پژوهش کمک خواهد نمود از این قرار است:

۱. آیا نحوه نشستن و استراحت کردن مردم در ایران قدیم و نوع مبلمان مورد استفاده متفاوت بود؟

۲. آیا در ایران قدیم همه اقشار جامعه از مبلمان استفاده می‌کردند؟

۳. آیا ساختار کلی مبلمان در ایران قدیم نسبت به زمان حال تفاوت دارد؟

۴. آیا در مبلمان قدیم در ایران نشانه های فرمی بومی کشورمان وجود دارد؟

۵. متریبال مورد استفاده برای ساختن مبلمان در ایران قدیم چه بوده است؟

پیشینه پژوهش

پژوهشهایی که تا کنون در ارتباط با مبلمان در ایران صورت پذیرفته بصورتی بسیار کلی و در قالب پژوهشهای تاریخی و اجتماعی مردم در نقاط مختلف ایران انجام گردیده است و بصورت کلی اشاراتی به نحوه استفاده از مبلمان در ایران نموده شده و هرگز به جزئیات فرمی آن نپرداخته‌اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

- عبدی پور. مرتضی (۱۳۸۰)، بررسی ویژگیهای مبلمان منزل ، پایان نامه کارشناسی ، دانشگاه هنر تهران.
- شهری. جعفر (۱۳۶۸)، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم ، جلد سوم ، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
- زکی. محمد حسن (۱۳۲۰) ، ترجمه محمد علی خلیلی ، صنایع ایران بعد از اسلام ، تهران: کتابفروشی و چاپخانه اقبال
- تکمیل همایون. ناصر (۱۳۷۷)، تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.

- مستوفی. عبدالله (۱۳۴۰)، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه ، تهران: نشر مصور.

- نجمی. ناصر (۱۳۶۸)، تهران در یکصد سال پیش ، تهران: انتشارات ارغوان.

اما در این پژوهش محقق سعی دارد تا با استفاده از تصاویر آثار هنری قبل و بعد از اسلام به بررسی شکل مبلمان و تغییرات آن در سده های گذشته از دوران هخامنشی تا قاجاریه پرداخته و دلایل و عوامل تأثیر گذار بر این تغییرات را شناسایی و روند شکل گیری مبلمان در ایران را مرور نماید تا به شاخصه های مختص مبلمان ایرانی دست یابد.

روش پژوهش

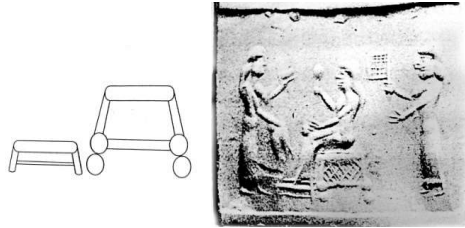
در این تحقیق از پژوهش کاربردی با روش توصیفی-تحلیلی استفاده گردیده است و برای جمع‌آوری اطلاعات پژوهش از روشهای مطالعات اسنادی و میدانی و اینترنتی بهره گرفته شده است.

مبانی نظری

مروری بر تاریخچه مبلمان در ایران باستان، پس از ورود اسلام به ایران و پس از مدرنیته

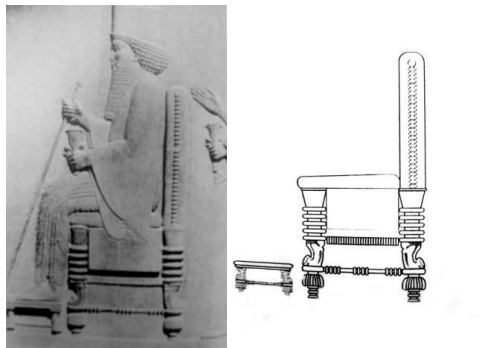
مبلمان پیش از اسلام در ایران

اطلاعات راجع به ساختمانها و خانه های عادی در زمان هخامنشیان بسیار ناچیز است. این اطلاعات هم بیشتر در نتیجه مطالعه نوشته های مربوط به مدارک اقتصادی یا اشیاء پیدا شده است. یک مطلب بسیار روشن است و آن این است که این آثار متعلق به یک جمعیت ایرانی، در ابتدای استقرار خود در این ناحیه است. (پایان قرن هشتم و آغاز قرن هفتم ق م)



تصویر ۲- نقش مهری استوانه ای از دوره هخامنشی (زنی در حال آرایش)، (منبع: کخ، ۱۳۷۷: ۲۳۸)

نگاره های تخت جمشید بهترین برداشت از نمای تخت شاهی را ممکن میسازد. در مرکز پلکان آپادانا داریوش بر تختی با پشتی بلند تکیه زده و پا را روی چهارپایه ای گذارده است (تصویر ۳). (همان: ۲۲۹)



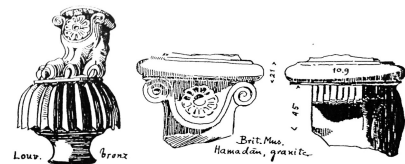
تصویر ۳- داریوش بر تخت، (منبع: کخ، ۱۳۷۷: ۲۲۹)

مبلمان پس از اسلام در ایران

پس از ورود اسلام به ایران، تغییرات اجتماعی و فرهنگی وسیع و عمیقی در ایران آغاز شد. پس از حمله اعراب و ورود دسته‌هایی از آنان به ایران، اعراب مسلمان در این کشور استقرار دائمی یافته و ساختار اجتماعی ایران را تا حدود زیادی دگرگون ساختند و فرهنگ تازه ای را به همراه خویش آوردند (تکمیل همایون، ۱۳۷۹: ۶۴). با توجه به اوضاع سیاسی و اجتماعی شش قرن اول هجری- یعنی تا پیش از استقرار امپراطوری سلجوقی- هنر این سرزمین شاهد وقفه‌ای است که دلایل این وقفه را میتوان کشمکش

(گیرشمن، ۱۳۷۱: ۲۳۶) هرودوت^۱ می‌نویسد: "یونانی ها پس از جنگ پلاته^۲ در اردوی ایرانیها تخت هایی یافته اند که با طلا و نقره منقوش بوده است." پایه های چهارپایه هایی هم که سربازان یونانی به غنیمت به آکروپولی^۳ برده بودند از نقره بوده است؛ پایه های چهارپایه کوچکی که در آرامگاه کوروش در پاسارگاد به دست آمده از طلاست (کخ، ۱۳۷۷: ۲۳۳). ویل دورانت زندگی اشراف عهد هخامنشی را چنین توصیف میکند: "خانه های زیبا و باغهای عالی داشتند و در خانه های خود اثاثیه گرانبها جمع آوری میکردند، از قبیل میزهایی که روپوش طلا و نقره داشتند یا با این دو فلز گرانبها منبت کاری شده بود و تخت هایی که روپوش عالی آنها را از کشورهای دیگر می آوردند و فرشهای نرمی که کف اتاقهای خود را با آن مفروش میکردند. در جامهای زرین نوشیدنی می‌نوشیدند و میزها و تاقچه های اتاق را با گلدانهای ساخت بیگانگان می آراستند." (راوندی، ۱۳۴۰: ۴۵۶).

در دوره هخامنشی ارتباط تنگاتنگی بین معماری و مبلمان وجود داشته است، برای مثال فرم پنجه حیواناتیکه در ستونها به کار رفته در پایه مبلمان نیز کاربرد دارد (همان: ۴۵۶) (تصویر ۱).

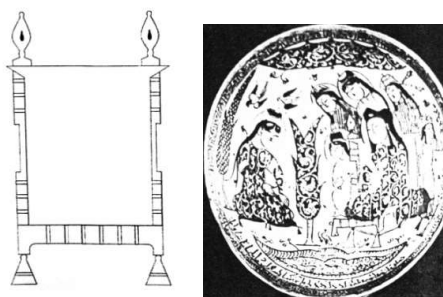


تصویر ۱- پایه برنزی تخت شاهی هخامنشی، (منبع: راوندی، ۱۳۴۰: ۴۵۷)

در تصاویر مهر های به جا مانده از دوره هخامنشی نیز تصاویری از مبلمان آن دوره دیده میشود. چهار پایه هایی که در تصاویر مهر ها به چشم میخورد از حصیر یا چیزی شبیه حصیر است (تصویر ۲). (کخ، ۱۳۷۷: ۲۳۸)

های داخلی برای کسب استقلال و برقراری حکومت های ایرانی و همچنین وجود منابع دینی در به کارگیری برخی از عناصر و مشخصه های هنری دانست که منجر به سردرگمی هنرمندان در اوایل ورود فرهنگ جدید در بیان هنری میشود. البته پس از چندی آنان راه خویش را باز یافته و با الهام از هنر پیش از اسلام هنر بعد از این دوره را پایه گذاری کردند. (همان: ۶۴)

با بررسی ظروف باقیمانده از دوره سلجوقیان (۱۱۵۷-۱۰۰۰ م / ۵۴۶-۳۹۱ ه ق) میتوان تصویری از میلان را بر روی نقوش سفالینه ها و همچنین تصاویر موجود در کتابها و نقاشیهای این دوره مشاهده کرد. بارزترین مشخصه میلان دوره سلجوقی با استناد به تصاویر موجود، کوتاهی ارتفاع نشیمنهای آنها میباشد که با مقایسه افراد نشسته بر آنها نمیتواند از ۲۰ سانتیمتر تجاوز کند. ساختار کلی صندلی ها ساده است و پایه های کوتاه از ترکیب چند حجم ساده خراطی شده یا مخروطی تشکیل شده است (تصویر ۴) (رحمان پور ۱۳۷۹: ۶۳).



تصویر ۴- داخل کاسه "صندلی با ارتفاع کوتاه و دسته های بلند" ۱۱۸۷ م / ۵۸۳ ه ق (منبع: رحمان پور، ۱۳۷۹: ۶۳)

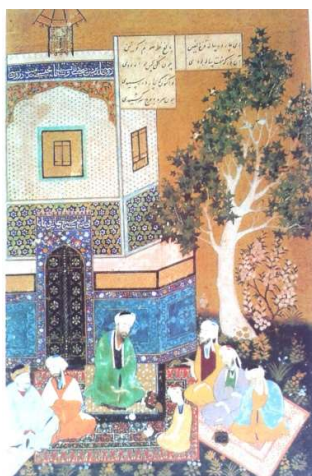
این صندلی ها برای برتری بخشیدن به شخص استفاده کننده بوده و جنبه تزئینی داشته و دیگر افراد در کنار تخت بر روی زمین مینشستند. (همان: ۶۳)

سلسله ایلخانیان مغول که از سال ۱۲۵۱ تا ۱۳۳۵ میلادی / ۶۵۰ تا ۷۳۶ هجری قمری طول کشید، دوره ای را در هنر ایران گشود که تأثیرات زیادی از هنر شرق دور به خصوص هنر دوره سونگ^۴ و یوان^۵ چین گرفت. ایران در زمان فتوحات مغول، یک گذشته فرهنگ اسلامی بالغ بر پانصد سال را از سر گذرانده بود که وقتی حکام جدید مغولی از دین بودایی به اسلام گرویدند، فرهنگ اسلامی را جذب کردند. عناصر چینی فرهنگ مغولان و روابط سیاسی آنان با شرق دور، از طریق همیاری بنیادی شمالی نگاری، نگارگری، سفالگری و سایر هنرهای تزئینی این دوره که از شرق دور مایه گرفته بود در هنرهای دوره ایلخانیان منعکس گردید. (شرانو، ۱۳۷۶: ۳)

در مورد صنایع چوبی این دوره میتوان گفت که صنعت منبت کاری از دوره سلجوقی به دوره چنگیز نیز کشیده شده و چون از این دوره آثار بیشتری در دست است، به راحتی میتوان شاهد ترکیب نقوش ایرانی با طرحهای چینی بود. استفاده از چوب به عنوان یکی از لوازم ساختمان سازی به صورت مستقل در دوره ایلخانیان ادامه داشت. منبرهای مسجد جامع نائین و اصفهان را میتوان به عنوان نشانه بارز کارهای چوبی این دوره به شمار آورد. شکل و قالب ساختمانی این منبرها تقریباً مشابه هستند و تنها بر سر یکی از منبرهای باقیمانده که مربوط به نائین است، سابیانی وجود دارد. این منبر را یک هنرمند کرمانی به سفارش یک بازرگان در سال ۱۳۱۱ م / ۷۱۱ ه ق ساخته است. منبر مسجد نائین با اشکال هندسی و برگهای مدور تزئین شده است. (بلر، ۱۳۸۲: ۳۶)

منبر متعلق به مسجد جامع سوریان از اواخر دوره مغول به جای مانده است؛ این منبر در بخش اسلامی موزه ملی نگهداری میشود و ده پله دارد. قسمت دست

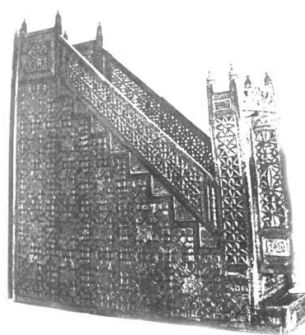
همانطور که در تصاویر دیده میشود انواع مبلمان ذکر شده در ضیافت‌های دربار جهت پذیرایی بکار میرفته و سندی مبنی بر استفاده عامه مردم از اینگونه مبلمان در دست نیست. در تصاویر موجود از زندگی مردم آن دوران دیده میشود که آنان بر روی زمین مینشستند و از هیچیک از انواع مبلمان استفاده نمیکردند. میزهای پایه کوتاه در مکتبها و به منظور نوشتن و خواندن بر روی آنها استفاده میشدند. در دو طرف دسته‌هایی به میز متصل بوده که جابجایی آن را آسان میکرده است (تصویر ۶) (رحمان پور، ۱۳۷۹: ۸۲).



تصویر ۷- نظامی پسرش محمد را اندرز میدهد، ۸۸۷ ه ق، (منبع: سودآور، ۱۳۸۰: ۱۰۰)

مبلمان مورد بررسی در دوره صفوی با استناد به تصاویر و نگارگری این دوره میباشد. در این دوره شاهد تختها، میزها و صندوق‌های بسیاری هستیم. شیوه‌های تزئینی مختلفی از جمله منبت، خاتم، مرصع و غیره در این زمان رواج داشته است. البته در این دوره هنوز هم مبلمان خاص شاهان و درباریان بوده است. یکی از همراهان "رابرت شرلی" سفیر انگلستان در زمان شاه عباس مینویسد: "در ایران صندلی نیست و ما بر روی قالی نشستیم، من

اندازه‌های پله با گره چینی تزئین شده است. بدنه‌های کناری آن به شیوه منبت کاری با نقوش گیاهی کار شده و در پس زمینه قسمتهایی از بدنه که منبت کاری شده، رنگ قرمز و آبی دیده میشود. (رحمان پور، ۱۳۷۹: ۷۰) (تصویر ۵)



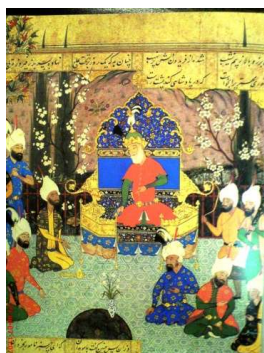
تصویر ۵- منبر مسجد جامع سوریان، (منبع: رحمان پور، ۱۳۷۹: ۷۰)

در دوره ایلخانی تختها بیشترین گروه را در مبلمان به خود اختصاص میدهند. دلیل آن صحنه‌های بر تخت نشینی پادشاهان در مجالس رسمی و بزم میباشد. به طور کلی مشخصه مبلمان ایلخانی، تختهایی با فرم مکعب همراه با تزئیناتی پرکار از نقوش ایرانی چینی است که هر چه به اواخر این دوره نزدیک میشویم، نقوش و عناصر به سمت ایرانی شدن پیش میروند. در ذیل نمونه تختی از دوره ایلخانی مشاهده می‌گردد (تصویر ۶) (بلر، ۱۳۸۲: ۴۲).



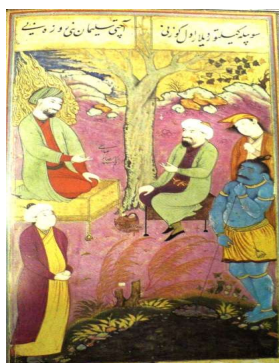
تصویر ۶- "نقاشی رشیدالدین جامی-التواریخ" صحنه تخت پادشاهی مکتب ایلخانیان قرن ۵۱۴ ق (منبع: بلر، ۱۳۸۲: ۴۲)

در تصویر دیگر، تخت دیگری، تخت دیگری از این نوع دیده می‌شود که ارتفاع کمتری دارد و پارچه روی آن تا روی زمین آویزان شده است. همانطور که در این تصویرها دیده میشود در این دوره از فلز در ساخت مبلمان استفاده شده است؛ ستونهای جدا کننده همگی فلزی هستند که قسمت انتهایی آنها به شکل برگ است. (تصویر ۹) همان: (۲۵۱)



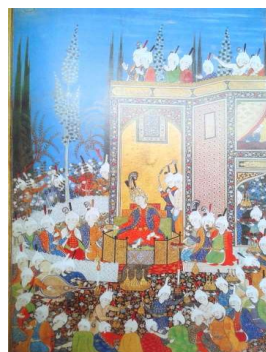
تصویر ۹- بر تخت نشستن ضحاک، ۱۵۷۵/م ۹۸۲ ه ق، (منبع: سودآور، ۱۳۸۰: ۲۵۱)

از انواع دیگر نشیمن در این دوره میتوان به چهار پایه های مکعب شکلی اشاره کرد که پایه ها و چهار چوب فلزی داشته و صفحه های چوبی نیمه بالایی آنها پر کرده است. همانطور که در تصویر دیده میشود، هم به شکل دو زانو همانطوری که بر روی زمین مینشستند و هم به صورت معمول صندلی از آن استفاده میکردند (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰- حضرت سلیمان در حالی که بر تخت نشسته است، ۱۶۱۳/م ۱۰۲۲ ه ق، (منبع: سودآور، ۱۳۸۰: ۲۸۱)

چون نمیتوانستیم دو زانو بنشینیم چهارزانو نشستیم. سفیر عثمانی که در مجلس حاضر بود، به شاه اشاره کرد که مردم انگلیس معمولاً بر صندلی مینشینند و بر زمین نشستن برای ایشان دشوار است. شاه عباس بی درنگ از جای برخاست و به اتاق دیگر رفت و میز کوچکی را که بر آن بطریهای شراب می نهند، به وسیله غلام بچه ای از آنجا پیش ما آورد و دستور داد تا روی آن قالیچه ای بیندازند و به من امر کرد تا روی آن بنشینم. (راوندی، مرتضی، ۱۳۴۰: ۴۲۰) "تاورنیه"^۷ از صنف صنعت نجاری در ایران سخن میگوید و می نویسد: "در ایران هنوز از میز و صندلی و تختخواب استفاده نمی کنند. نجاری ایران منحصر است به در و پنجره و باید انصاف داد که نجارهای ایرانی با نداشتن اسباب و ادوات لازم، باز خوب کار میکنند. آلت کار آنها منحصر است به یک تیشه و یک اره و تازگی یک نجار فرنگی، رنده را در ایران معمول کرده است...." (همان: ۳۹۵). در این دوره شاهد تختههایی هستیم که دارای فرم چند ضلعی هستند. بر وجوه این حجم چند ضلعی فرمهای اسلیمی و ختایی نقش بسته است که به شیوه مثبت کاری انجام شده است و در آن دوره در نهایت زیبایی و ظرافت به کار میرفته است (تصویر ۸) (سودآور، ۱۳۸۰: ۱۶۰).



تصویر ۸- جشن عید فطر اثر سلطان محمد، دیوان حافظ، ۱۵۲۵/م ۹۳۲ ه ق، (منبع: سودآور، ۱۳۸۰: ۶۰)

مبلمان دوره قاجار

از اواسط سلطنت فتحعلی شاه، روابط ایران با ممالک متمدن اروپایی و رفت و آمد اروپاییان به ایران و آشنایی مردم این کشور به اصول جدید تمدن که در عهد صفویه و نادر شاه و کریم خان مقدمات آن شروع شده بود، رو به ازدیاد نهاد. مسافران و تاجران اروپایی که به ایران می آمدند، در این کار دخالت بسیار داشتند و ارامنه ایران و عثمانی و قفقاز نیز که سالها در ممالک اروپایی مانده و به آموختن چند زبان موفق شده بودند، به بسط دامنه انتشار پاره‌ای از اصول تمدن جدید اروپایی در ایران کمک میکردند. عده ای از تاجران و مسافران ایرانی هم که به هندوستان و بعضی از کشورهای اروپایی سفر کرده و به وطن خود برگشته بودند مشاهدات خود را برای مردم نقل میکردند (راوندی، ۱۳۴۰: ۵۲۶). در زمان ولیعهدی عباس میرزا در آذربایجان (۱۲۴۹-۱۲۱۳ ه ق) به علت بروز رقابت شدید بین روسیه و انگلیس از طرفی و فرانسه و انگلیس از طرفی دیگر نه تنها تبریز مرکز سیاست ایران بود بلکه به علت رفت و آمد سفرا و مامورین و تجار فرنگی به آذربایجان و نزدیکی آن منطقه به اروپا، تبریز مرکز عمده نهضت علمی و صنعتی گردید و نخستین آثاری که از تمدن جدید اروپایی به ایران داخل شد، همه از طریق سرحدات آذربایجان بود. البته قبل از آن به وسیله مردم پرتغال، هلند، فرانسه و انگلیس آثاری به اصفهان و شیراز و سواحل خلیج فارس آمده بود. (همان: ۵۳۱) در نقاشی های این دوره تصاویر مبلمان دیده میشود که از مبلمان اروپایی تقلید شده و در بسیاری از موارد تقلید ناقصی صورت گرفته و در آن اغراق شده است (تصویر ۱۲). در این تصویر شخصیتها به شکل دو زانو بر روی مبل نشسته اند، همچنین در فرم و تعداد پایه های مبل و میز اغراق شده است.

هنر در دوره زند و افشار (۱۷۷۹-۱۷۵۰ م / ۱۱۹۳-۱۱۶۴ ه ق) دنباله رو هنر دوره صفوی بود. جنگهای پی در پی و فقدان امنیت و آرامش مانع از ظهور سبکهای هنری و پرورش هنرمندان در این عهد بود. مبلمان این دوره نیز مانند دیگر هنرها تحول زیادی نکرده و همان سبکهای صفوی البته نه به آن پرکاری تکرار شده است. اگر چه نمونه های تصویری زیادی هم از این دوره در دست نیست. (رحمان پور، ۱۳۷۹: ۹۶) نمونه مورد بررسی هیچ گونه تزئینی ندارد، اما دارای ساختاری متفاوت است که تا آن زمان در هیچ یک از تصاویر دیده نشده است. این صندلی بلند در یکی از نقاشیهای دوره افشاریه دیده میشود. چهار چوب اصلی دارای ساختاری ظریف میباشد که قسمت پشتی و دست اندازها و نشیمن با بافتی توری مانند پوشیده شده است. (تصویر ۱۱)



تصویر ۱۱- شاهزاده کنار شاهزاده خانم، نیمه دوم سده ۱۲ ه ق، (منبع: سودآور، ۱۳۸۰: ۳۸۳)



تصویر ۱۲- مجلس مأمون، اثر عباس بلوک فر، (منبع: بلوک باشی، ۱۳۷۵)



تصویر ۱۳- ناصرالدین شاه (راست) و منوچهر خان عکاس (چپ)، (منبع: ذکاء، ۱۳۷۶: ۱۷۲)

از جمله کارهای نو ظهور، مبلمانی بود که ابتدا توسط مستشاران و نیز دربار به ایران آورده می شد. از تصاویری که از این دوره به جا مانده، دیده می شود که صندلی مهمترین عنصر از مبلمان بوده که البته حضورش در خانه طبقه اغنیا و درباریان ثبت شده است؛ اما به تعداد محدود و تنها برای استفاده های خاص. صندلی در بدو ورود به ایران، شخصیتی همانند تخت و سریر پادشاهان و بزرگان داشته و عملکردی مانند عملکردش در قرون وسطی بوده است. میزهای عسلی به کرات در مقابل سوژه اصلی پرتره ها قرار گرفته است (تصویر ۱۳) (مستوفی، ۱۳۴۰: ۱۷۸)

مبل و میز و صندلی از اشیائی بودند که در ابتدا فقط خارجی ها و اعیان و اشراف از آنها استفاده میکردند. در مورد عامه مردم، نه وضع زندگیشان اجازه استفاده از آنها میداد و نه فرهنگشان مناسب آن بود. علاوه بر آن فقر عمومی و مسئله اجاره نشینی مردم اجازه استفاده از مبلمان را به آنها نمیداد. (شهری، ۱۳۶۸: ۳۰)

هز خانواده اقوام و بستگانی داشت که غالباً مبل و صندلی کفاف آنها را نداده و یا همگی باید روی زمین مینشستند و یا نیمی بر روی زمین و نیمی بر روی صندلی، که سبب اهانت زمین نشینان و خجالت بالا نشین ها میشد که عملی نبود. با این اوصاف بالا نشینی یکی مخصوص سلاطین بود اگر چه آنها نیز در خلوت

نمیکنند، بلکه آنها را تا میکنند و در صندوقها یا یخدانهای سر بسته ای در پستوی پشت اتاق که محفوظ از نور آفتاب است میگذارند(تصویر ۱۴)."
(بروگش، ۱۳۶۷: ۱۴۱)



تصویر ۱۴- زنان ایرانی به هنگام خوردن غذا، (دوره ناصری)،
(منبع: ذکاء، ۱۳۷۶: ۱۸۰)

ساختار اجتماعی و فرهنگی استفاده کنندگان در دوره قاجار

در خصوص ساختار اجتماعی ایران در دوره قاجاریه در مجموع می توان گفت چند گروه یا طبقه اجتماعی در جامعه ایران قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ وجود داشت:

۱- طبقه حاکم: که در رأس آن شاه قرار داشت. قدرت شاه بسیار گسترده بود؛ او مالک همه زمینهای غیر وقفی در آن دوره بود. مردم جملگی رعایای شاه محسوب می شدند. علاوه بر شاه، طبقه حاکم قشرهای دیگری را نیز شامل میشد که عبارت بودند از: خانواده سلطنتی، سران قبایل، زمین داران محلی و مقام های عالی رتبه دولت.

۲- علمای دینی: این قشر در دوره قاجار از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار بودند (تصویر ۱۵)

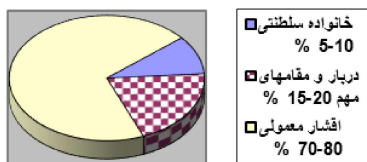
نشستن روی زمین را ترجیح میدادند؛ و پس از آنها وزراء و صدرا آنها در محلهای کار و همچنین کارمندان ادارات و سپس روضه خوانها که باید جایشان بلندتر از دیگران می بود و در خانه ها در اثر فقدان صندلی برایشان روی چهارپایه یا صندوق جایی درست میکردند. (همان: ۳۱) ظهور صندلی در میان مردم به استثنای ادارات دولتی، با قوانین بهداشتی نمودن اماکن عمومی توسط بلدیة (شهرداری) از قهوه خانه ها و اغذیه فروشی ها صورت گرفت. تا این زمان مردم در این اماکن نیز روی زمین غذا و چای صرف میکردند و فقط چند قهوه خانه بزرگ باغچه دار بودند که در آن نیمکتهای چوبی پایه آهنی در محلهای تابستانیشان گذاشته بودند. (همان: ۴۱)

دکتر "هینریش بروگش"^۸ استاد دانشگاه برلین و شرق شناس به عنوان مستشار همراه اعضای سفارت در سال ۱۸۵۹ میلادی به ایران اعزام شدند. او خلاصه مطالعات و یادداشتهای خود را به صورت کتابی چاپ کرد. کتاب او در سال ۱۸۶۱ میلادی (اواسط سلطنت ناصرالدین شاه) نوشته شده است. در وصف خانه های تهران در این کتاب آمده است: "مبلمان این اتاق ها فوق العاده و به طور غیر قابل تصویری ساده است. در هر اتاقی یک قالی رنگارنگ در وسط آن می اندازند و چهار قطعه فرش نمدی را نیز در چهار طرف این قالی پهن می کنند. در اطراف اتاق تشکچه ها و پستی هایی قرار می دهند که بتوان روی آنها نشست و تکیه داد و در حقیقت به منزله صندلی بکار میرود. جلوی پنجره ها پرده های توری یا ابریشمی کشیده شده است و در طاقچه های اتاق هم اشیاء تزئینی و لوازم ضروری زندگی را گذاشته اند. این تنها مبلمان و وسایلی است که در اتاقها وجود دارد. از قفسه لباس یا چوب لباسی در اتاقها اثری نیست و به هیچ وجه لباس ها را آویزان



تصویر ۱۵- تجمع علما، در این تصویر علما بر روی زمین نشسته اند اما وسایل پذیرایی بر روی میز هایی با صفحه شیشه ای و پایه های فلزی کوتاه قرار دارد.

۳- تجار: در ساختار اجتماعی دوره قاجار تجار در شمار نیرومندترین و ثروتمندترین طبقات اجتماعی ایران بودند که سر انجام در پی یک رشته تطورات سیاسی و اجتماعی تبدیل به جریانی مقابل دستگاه حاکمه شدند. اما اصناف و پیشه وران از گذشته های دور در ایران وجود داشته اند. هر صنف از مجموعه استادان صنف که با کمک کارگران و شاگردانی فعالیت میکردند، در واقع جزء طبقات محکوم جامعه محسوب میشدند. بقیه اقشار جامعه ایران روستایی، ایلات و عشایر ببه دلیل مالیات های سنگین در فقر بسر می بردند. در واقع این گروه اکثریت جامعه ایران را تشکیل میدادند و تقریباً هفتاد الی هشتاد درصد مردم ایران در این دوره جزء روستا نشینان و ایلات و عشایر بودند. (کسرائی، ۱۳۷۹: ۲۳۵-۲۱۶) با توجه به مطالب مذکور ملاحظه میگردد که در قرن نوزدهم میلادی درصد کمی از مردمان آن روزگار مبادرت به استفاده از مبلمان به شکل کنونی میورزیدند. این اقشار شامل درباریان، خانواده سلطنتی، مقام های عالی رتبه دولتی و نهایتاً سران قبایل و ایلات مهم کشور بودند. مابقی مردم که درصد زیادی را شامل میشدند به نشستن روی زمین عادت داشتند. (نمودار ۱)



نمودار ۱- نسبت حدودی طبقات اجتماعی مردمان دوران قاجار، (منبع: کسرائی، ۱۳۷۹: ۲۳۰)

بر اساس مطالعات صورت گرفته، در ایران استفاده از مبلمان با فرهنگ استفاده کنندگان ارتباط مستقیم داشته است یعنی گروه خاصی مانند درباریان، خانواده های سلطنتی، تجار و مقامات عالی رتبه دولتی از مبلمان و یا صندلی استفاده میکردند. اما به این نکته نیز باید اشاره نمود که فرهنگ رفتاری و نوع نشستن ایرانیان از دیر باز با فرهنگ نشستن روی مبلمان به صورت کنونی متفاوت بوده است. "اگر به تاریخ نشستن و نشیمن در ایران نگاه کنیم، میبینیم که ایرانیان همواره به لم دادن و نشستن راحت علاقمند بوده اند به جز در مواردی خاص که نشستن رسمی و چهار زانو دیده میشود از جمله در حضور شاهان و میهمانان رسمی و غیررسمی". (شهری، ۱۳۶۸: ۳۰۵)

بحث

فرهنگ کنونی مردم ایران

امروزه مبلمان جزء لاینفکی از زندگی مردمان شهرنشین شده است. در تهران به لحاظ موقعیت ویژه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به عنوان پایتخت، ویژگیهای زندگی سنتی روز به روز کمزنگتر شده و تمایل مردم به استفاده از مبلمان به سبک و سیاق غربی بیشتر شده است. به همین دلیل طبقه

به گونه مرتب استفاده نمیشود و اختصاص به زمان پذیرایی از میهمان دارد. البته برخی از اقشار جامعه به دلایل مادی و یا پایبندی به سنت ها و پیشینه های فرهنگی خود کمتر از میز و صندلی و مبل و تخت خواب استفاده میکنند و در واقع آنها بطور نسبی از حداقل فضای موجود حداکثر استفاده را میکنند. جمع کردن رخت خوابها در گوشه ای از اطاق، گذاشتن پشتی به جای مبل، استفاده از سفره به جای میز غذا خوری و ... خود نوعی از مبلمان سنتی و انعطاف پذیر برای خانه های کوچک است (عبدی پور، ۱۳۷۹، ۶۵). شناسایی خانواده و مفهوم و ویژگیهای آن به عنوان گروه عام استفاده کننده از مبلمان منزل برای ما حائز اهمیت است. خانواده را از نظر وسعت ابعاد در جامعه ما به چند تیپ بارز میتوان طبقه بندی کرد: (اهری، ۱۳۶۳: ۲۹)

۱- خانواده هسته ای: متشکل از زن- شوهر- فرزند یا فرزندان

۲- خانواده گسترده: متشکل از دو یا چند خانواده هسته ای

۳- خانواده نیمه هسته ای: متشکل از زن و بچه یا مرد و بچه

در این تقسیم بندی خانواده گسترده که در ایام قدیم وجود داشته کم کم با ورود تکنولوژی و تغییر الگوی شهرسازی و بالطبع تغییر معماری ساختمانها، تبدیل به خانواده هسته ای شده و در نتیجه کوچک شدن و تقسیم بندی فضای زندگی، نوع استفاده از مبلمان نیز تغییر نمود (نمودار ۲).

بندی اقشار جامعه از لحاظ اجتماعی تأثیر چندانی بر استفاده عملکردی آنان از مبلمان نخواهد داشت؛ مگر در موارد زیبایی شناسی و اقتصادی جهت انتخاب مبل. با این حال نمی بایست فرهنگ رفتاری نشستن مردم ما را که ریشه عمیق در آداب و سنن ما ایرانیان دارد را فراموش نمود. "در بحث فرهنگی، نزدیکی شهرها، توسعه طبقات متوسط و صنعتی شدن کشور از عمده عواملی هستند که خانواده ایرانی را دستخوش تغییر کرده اند. البته به این نکته نیز باید توجه کرد که تأثیر عناصر غربی در خانواده شرقی بر روی تمامی خصوصیات نبوده بلکه نوعی تأثیر از الگوهای اجتماعی غرب و تلفیق آن با الگوهای ایرانی در شکل جدید خانواده و آن هم بیشتر در پایتخت (تهران) دیده میشود. خانواده هسته ای یا زن و شوهری در ایران دارای پیوند و بستگی کامل با شبکه خویشاوندی است، در صورتیکه در غرب این بستگی بیشتر یک بستگی فرهنگی است." (عبدی پور، ۱۳۷۹: ۳۲)

وضعیت مبلمان در عصر حاضر

در عصر حاضر، سکونت تبدیل به یک معضل جدی برای استفاده کنندگان شده است. به عبارت دیگر ابعاد و عملکرد مبلمان و اثاثیه و دیگر لوازم خانگی موجود، مناسب استفاده در کاشانه های کوچک نیست. فضاهای موجود در کاشانه ها دارای تقسیم بندی مشخص و ابعاد ثابتی هستند. که از آنها استفاده ثابت نمی شود. یعنی در یک خانواده پر جمعیت ممکن است از فضای نشیمن خانه برای خواب افراد خانواده، برای غذا خوردن، برای درس خواندن و یا بازی کودکان و همچنین برای پذیرایی از میهمانان استفاده شود. در بعضی از منازل از تمام مبلمان و اثاثیه موجود در اتاق



نمودار ۲- تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی از اواخر قاجار و اوایل پهلوی، منبع: تکمیل همایون، ۱۳۷۷: ۱۲۵)

یافته‌ها:

بر اساس مطالعات نظری و بررسی نمونه های مبلمان در ادوار گذشته می‌توان به موارد ذیل به عنوان یافته‌های این تحقیق اشاره نمود:

- تا پیش از اسلام نوع ساخت، تزئینات و مقیاس مبلمان بیان کننده اهمیت صاحب آن بود، و دیگر افراد با مراتب پایینتر بر روی صندلیهایی با تزئینات ساده‌تر می‌نشستند.

- پس از اسلام صرف وجود تخت نشان دهنده مرتبه والای صاحب آن بود و دیگران بر پای تخت روی زمین می‌نشستند یا کنار آن می‌ایستادند.

- عامل دیگر تأیید تزئینی بودن مبلمان پس از اسلام نوع کاربرد آن است، زیرا افراد به همان صورت که روی زمین می‌نشستند، بر روی تخت می‌نشستند و فقط در سطحی بالاتر از زمین قرار می‌گرفتند.

- در طی گذر زمان از دوره پیش از اسلام تا آغاز حکومت قاجاریه و ورود مبلمان غربی تغییرات مبلمان در عملکرد و فرم ظاهر شده است؛ بدین معنا

که با تغییر رفتار نشستن بعد از اسلام عملکرد مبلمان نیز با آن تغییر یافته و ارتفاع آن کوتاه شد.

- بعد از اسلام هنر ایرانی مانند منبت، مرصع، میناکاری و ... با هنرهای خاور دور تلفیق و تزئینات مبلمان را شکل میداد.

- در زمان قاجار در خانه‌های معمولی مبلمان به صورت کنونی وجود نداشت. مردم به روی زمین مینشستند و زمین پوشیده از فرش بود. گذاشتن میز معمول نبود و تاقچه و رف کار آنرا میکرد. صندوقچه‌های مخمل پوش یا فلزی کار کمد را میکرد. تشکچه و پشتی به همراه مخده و بالش حکم مبلمان نشیمن و صندلی را داشت.

- مدرک مستدلی حاکی از استفاده مردم عادی از مبلمان به شکل کنونی و یا حتی تغییر شکل یافته آن در دوران پیش و پس از اسلام موجود نیست.

- از زمانهای دور مبلمان در میان مردم ایران بیشتر جنبه تجملی و تزئینی داشت.

- در دوره قاجار طبقه خانواده سلطنتی و دربار و مقامات دولتی که بین ۱۵ الی ۲۵ درصد جامعه را تشکیل میدادند از مبلمان و صندلی استفاده میکردند و بقیه مردم که شهر نشین ساده و رعیت بودند بر روی زمین می‌نشستند.

- به دلیل کوچک بودن منازل بعضی اقدار جامعه، هنوز فضای بیشتری به نشیمن اختصاص داده شده و فعالیت‌های گوناگونی در این فضا انجام میشود مانند مطالعه، تماشای تلویزیون، استراحت، غذا خوردن و ... پس باید مبلمان قابلیت تطبیق با فضا را داشته باشد.

نتیجه‌گیری

شاید تا کنون معنای ایرانی بودن برای مبلمان بطور مشخص واضح و قابلیت تبیین نداشت و صرفاً استفاده از نقشمایه های ایرانی در پارچه های بکار رفته مبین این موضوع بود. اما در این پژوهش مشخص گردید آنچه از دوره‌های گذشته در استفاده از مبلمان برای ما ایرانیان به ارث رسیده نه فقط استفاده از نقشمایه های سنتی بلکه رفتار نشستن و استراحت کردن نیز هنوز در خلق و خوی ایرانیان باقی مانده است و نشستن بر روی زمین و به نوعی لم دادن شاخصه مهمی است که باید در طراحی مبلمان کنونی از آن بهره جست. این رفتار هنوز در بسیاری از منازلی که حتی مبلمان به شکل کنونی در آنها وجود دارد دیده میشود و نمونه عینی آن نیز تختهای موجود در قهوه‌خانه ها و رستورانها است که مهر تأییدی است بر این مدعا. لذا از این پژوهش میتوان معیارهایی را برای طراحی مبلمان منازل استخراج نمود که به آنها اشاره می‌گردد:

پی‌نوشت

- ۱- عملکرد مناسب محصول جهت نشستن و لم دادن استفاده گر روی آن
 - ۲- بهره‌گیری از ارتفاع کوتاه مبیل در راستای نحوه نشستن
 - ۳- ایرانی بودن طرح از نظر بصری با استفاده از عناصر بصری و نمادهای ایرانی
 - ۴- قابلیت تطبیق عملکرد مبیل نسبت به فضاهای کوچک از نظر ابعاد
 - ۵- استفاده از بافتهای بساواپی یا بصری در قالب نقش مایه‌های ایرانی- اسلامی در پارچه و رویه مبیل
- البته تمامی این معیارها می‌بایست با استانداردهای آنترپومتریک و ارگونومیک ایرانیان تطبیق داده شود تا نهایت راحتی و مقبولیت در طرح های مبلمان ایرانی بدست آید.

- 1-Herodotus
- 2- Plataea
- 3- Acropolis
- 4-Sung
- 5-Yuan
- 6-Robert Shirley
- 7- Tavernier
- 8- Heinrich Karl Brugsch

فهرست منابع

- اهری. زهرا (۱۳۶۳)، مسکن حداقل، تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- بروگش. هینریش (۱۳۶۷)، ترجمه مهندس کردبچه، سفری به دربار سلطان صاحبقران، تهران: انتشارات اطلاعات.
- بلوک‌باشی. علی (۱۳۷۵)، قهوه‌خانه‌های ایران، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- بلر. شیلا، اس، بلوم. جانانان، ام (۱۳۸۲)، ترجمه سید محمد هاشمی گلپایگانی، هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی. جلد اول. دوره ایلیخانی و تیموری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- تکمیل همایون. ناصر(۱۳۷۷) ، تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران ، تهران:دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ذکاء. یحیی(۱۳۷۶) ، تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران ، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- راوندی. مرتضی(۱۳۴۰) ، تاریخ اجتماعی ایران جلد ۱ و ۲ ، تهران : انتشارات امیرکبیر.
- رحمان‌پور. ناهید(۱۳۷۹) ، مبلمان ایرانی ، پایان نامه کارشناسی صنایع دستی ، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء.
- سودآور. ابوالعلا(۱۳۸۰) ، ترجمه ناهید محمد شمیرانی ، هنر دربارهای ایران ، تهران: نشر کارنگ.
- شراتو. امبرتو، گروبه. ارنست(۱۳۷۶) ، ترجمه یعقوب آژند ، هنر ایلخانی و تیموری ، تهران: انتشارات مولی.
- شهری. جعفر(۱۳۶۸) ، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم ، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
- عبدی پور. مرتضی(۱۳۸۰) ، بررسی ویژگیهای مبلمان منزل ، پایان نامه کارشناسی ، دانشگاه هنر تهران
- کخ. هایدماری(۱۳۷۷) ، ترجمه پرویز رجبی ، از زبان داریوش ، تهران: نشر کارنگ.
- کسرابی. فریدون (۱۳۸۵) ، چهل کلید معماری داخلی خانه ، تهران ، انتشارات جانزاده.
- گیرشمن. رمان(۱۳۷۱) ، ترجمه بهرام فره‌وشی ، هنر ایران در دوران پارتنی و ساسانی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- مستوفی. عبدالله (۱۳۴۰) ، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه ، تهران: نشر تهران مصور.